

هشدار  
هنرمندان تئاتر  
به مدیران فرهنگی  
در گفت‌وگو با  
روزنامه صبا؛



کهد تاراج  
نویسنده، کارگردان و بازیگر تئاتر:

تئاتر در پایین‌ترین سطح  
تعامل با مدیران است

یعنی آقای مردانی، به نظر من هیچ شناخت جدی‌ای از تئاتر ندارد. شاید ایشان بتوانند در دبیرخانه یا بخش‌های اجرایی دیگر فعالیت کنند، اما اداره کل هنرهای نمایشی نیازمند مدیری است که تعامل واقعی و مداوم با هنرمندان داشته باشد؛ تعاملی که امروز در پایین‌ترین سطح ممکن قرار دارد.

آیا این نامه نتیجه ناامیدی کامل بود یا هنوز امیدی به اصلاح از درون ساختار دارید؟

این نامه از سر ناامیدی مطلق نوشته نشد، اما حاصل انباشته شدن یک وضعیت فرسایشی است. واقعیت این است که با رفتن خانم رضایی، بسیاری از امور از هم پاشید. چندین ماه است که معاونت هنری حتی سرپرست ثابت ندارد. در حالی که شاخه اصلی معاونت هنری، برخلاف تصور عمومی، موسیقی و تجسمی نیست؛ تئاتر است. من شخصاً معاون هنری فعلی را فقط در تشیع جنازه‌ها دیده‌ام، نه در سالن‌های تئاتر. جز یک بازدید کوتاه اطراف تئاتر شهر، حضور مؤثری از ایشان در فضای تئاتر ندیده‌ام. تمام مواجهه ایشان با تئاتر در حد پیام تسلیت یا پیام‌های مناسبی برای جشنواره‌ها بوده است. این وضعیت در دوره‌های قبلی اصلاً سابقه نداشت؛ چه در دوره آقای شاه‌آبادی و چه در دوره‌های قبل و بعد از آن. بنابراین این نامه بیشتر یک هشدار جدی است تا اعلام قطع امید.

خیلی‌ها می‌گویند نامه‌نگاری در ایران به یک «کنش بی‌خطر» تبدیل شده. خودتان فکر می‌کنید این نامه واقعاً می‌تواند تغییری ایجاد کند؟

اگر این کنش بی‌خطر بود، نه روزنامه صبا برایش مصاحبه می‌گرفت و نه خبرگزاری مهر آن را خبر اول می‌کرد. هر کنش، حتی کوچک‌ترین واکنش از سوی جامعه تئاتر، قطعاً واکنشی هم از آن سمت به دنبال دارد؛ حتی اگر این واکنش‌ها پنهان باشد و ما آن را به‌طور مستقیم نبینیم. همین که این نامه از سوی طیف‌های مختلف تئاتر ایران امضا شد، نشان می‌دهد مسئله جدی است و نمی‌توان آن را نادیده گرفت.

وزیر فرهنگ وعده داده تا پیش از جشنواره‌های فجر معاونت هنری را تعیین تکلیف کند. اگر این وعده به تثبیت وضعیت موجود یا تداوم همان رویکرد فعلی منجر شود، در چنین شرایطی آیا اساساً می‌توان برای جامعه تئاتر «قدم بعدی» ای متصور بود، یا باید این مقطع را پایان امید به اصلاح از درون ساختار دانست؟

به نظر من قدم بعدی مشخصی وجود ندارد. وزارتخانه ناچار است معاونت هنری را تعیین تکلیف کند. اگر قرار باشد همین سرپرست فعلی به عنوان معاون هنری تثبیت شود که بعید می‌دانم، عملاً همان لحظه، امید من به اصلاح از بین می‌رود.

آیا تئاتر ایران به وضعیتی رسیده که بتواند بدون مدیر هم دوام بیاورد، یا این فقط یک توهم خطرناک است؟  
به نظر من تئاتر ایران در ده سال آینده، یا حتی زودتر، شاید در سه یا چهار سال آینده، کاملاً خصوصی خواهد شد. دولت به‌طور کامل خودش را کنار می‌کشد و همه چیز به مدیران سالن‌ها سپرده می‌شود؛ شبیه آنچه امروز در تئاتر خصوصی می‌بینیم، با این تفاوت که حتی همان ساختار نیم‌بدن دیگر سر جای خودش نخواهد بود. این وضعیت بیشتر از آن که نشانه استقلال باشد، زنگ خطر است.

به نظر شما کدام ضربه جدی‌تر است: نبود بودجه یا نبود «چشم‌انداز»؟

قطعاً نبود چشم‌انداز. بودجه همیشه مسئله تئاتر بوده، اما بدون چشم‌انداز حتی بودجه هم به‌درستی هزینه نمی‌شود. نمونه‌اش جشنواره تئاتر استانی کرمانشاه است؛ وقتی افتتاحیه جشنواره تئاتری با یک پروژکشن ساده و جمع کردن هفتاد نفر برگزار می‌شود، این فقط مسئله پول نیست. این نتیجه نبود مدیریت و نداشتن چشم‌انداز مشخص است. ماهنوز با آیین‌نامه‌ای کار می‌کنیم که چهار سال پیش نوشته شده و هیچ‌کس هم حاضر نیست آن را اصلاح کند. اگر یک نفر را پنج سال به‌عنوان دبیر جشنواره منصوب کنند، آن فرد می‌داند چه کار می‌کند. اما الان هر کسی با سیاست خودش می‌آید و یک سنگ داخل این دریا می‌اندازد؛ دریایی که حالا آن قدر پر از سنگ شده که دیگر آبی در آن باقی نمانده.

کهد تاراج، کارگردان و نویسنده تئاتر، در گفت‌وگویی صریح از بحرانی می‌گوید که به باور او سال‌هاست در معاونت هنری انباشته شده؛ بحرانی که با رفتن مدیران آشنا به تئاتر، بلا تکلیفی در انتخاب معاون هنری و بی‌توجهی ساختاری به این هنر، تئاتر را به حاشیه‌رانده و آن را از چشم‌انداز، تعامل و حتی دیده‌شدن محروم کرده است.

شما پای نامه‌ای را امضا کردید که صراحتاً از «بحران مدیریتی مزمن» در معاونت هنری حرف می‌زند. اگر این بحران مزمن است، چرا جامعه تئاتر زودتر واکنش جمعی نشان نداد؟

جامعه تئاتر همیشه واکنش‌هایش را در یک زمان ثابت نشان نمی‌دهد. در مقاطعی خیلی زود واکنش نشان داده و در مقاطعی خیلی دیر. این مسئله به شرایط، فشارها و امکان بروز واکنش جمعی برمی‌گردد. واقعیت این است که از زمانی که خانم نادره رضایی وارد معاونت هنری شدند، وضعیت تئاتر به‌طور کلی به‌هم ریخت. با رفتن آقای نیلی از اداره کل هنرهای نمایشی، آن هم به شکلی ناگهانی. عملاً چشم‌اندازی که برای تئاتر طراحی شده بود از بین رفت. این اتفاق، چه بخواهیم چه نخواهیم، حاصل نوعی لجبازی مدیریتی بود و نتیجه‌اش از دست رفتن یک دوره دویا سه‌ساله برای تئاتر ایران شد. وزارتخانه طبیعتاً ناچار است در چنین شرایطی فرد دیگری را به‌عنوان سرپرست منصوب کند، اما مشکل اصلی این‌جا بود که با آمدن خانم نادره رضایی، مدیریت تئاتر به دست کسانی افتاد که شناختی از این حوزه نداشتند. حتی مدیرکلی که انتخاب شد،

# تئاتر ایران منتظر عمل؛ وعده و وعید پس است

معصومه دهقان

گفت‌وگو



اظهارات تازه وزیر فرهنگ درباره تعیین تکلیف معاونت هنری تا پیش از جشنواره‌های فجر، اگر چه از نظر زمانی می‌تواند به این دوره بلا تکلیفی پایان دهد، اما برای جامعه تئاتر هنوز در حد یک وعده باقی مانده است. گفت‌وگوهای پیش‌رو که در پی نامه‌ای سرگشاده از سوی جمعی از هنرمندان تئاتر شکل گرفته، تلاشی است برای یادآوری این نکته ساده اما حیاتی: بحران تئاتر با اعلام زمان حل نمی‌شود، بلکه نیازمند تصمیم، اقدام و بازسازی اعتماد از دست‌رفته است؛ اعتمادی که به باور هنرمندان، بیش از آن که در انتظار نام یک مدیر باشد، چشم به تغییر رویکرد مدیریتی دوخته است.

